



کانون مهدویت
دانشگاه فرهنگیان شهید مطهری شیراز



فصلنامه فرهنگی اجتماعی مسیر موعود

فصلنامه فرهنگی اجتماعی مسیر موعود
دانشگاه فرهنگیان مرکز شهید مطهری شیراز

شماره دوم، اسفند ۱۴۰۴ + پادپخش صوتی



در این شماره می خوانیم:

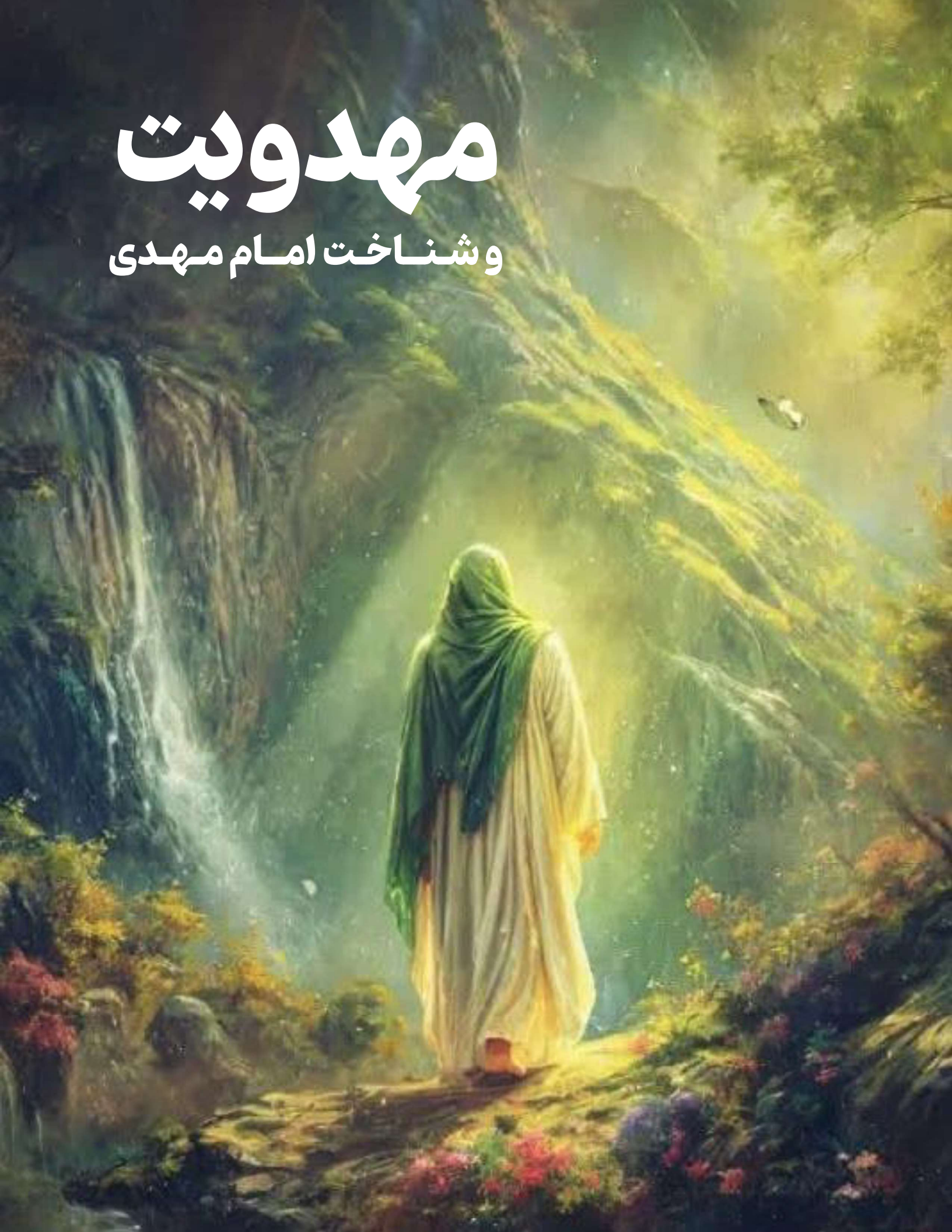
معرفت افزایی نسبت به امام

منجی در آیین ها، ادیان و کتب آسمانی

امام حاضر غایب؛ از شناخت تا انتظار

مهديت

و شناخت امام مهدي





یکی از مباحث مطرح در موضوع مهدویت و امامت امام عصر (علیه السلام) مسأله غیبت ایشان است. اندیشمندان شیعه در بیان چرایی وقوع این پدیده با استفاده از روایات اهل بیت (علیهم السلام) موارد متعددی را برشمرده‌اند. از جمله گفته‌اند:

علل غیبت

یکی از علت‌های غیبت امام زمان (علیه السلام) وجود دشمنان بسیار در برابر یاران اندک بود که جان حضرت را تهدید می نمود؛ همانگونه که شهادت آخرین امامان شیعه در سنین جوانی بر این مسأله شهادت می‌دهد.

علت دیگری که در این مورد بیان شده است، آزموده شدن مردم و مسلمانان است. یکی از سنت‌های الهی آن است که افراد برای به دست آوردن شرایط بهتر و نعمت فزون‌تر باید لیاقت و استحقاق خود را نشان دهند و حضور در کنار امامی که بناست به وسیله او عدل و داد در جهان فراگیر شود و جامعه آرمانی که آرزوی دیرینه بشر بوده است، بنا نهاده شود، از جمله این امتیازات است و بر همین اساس خداوند متعال برای آزمون مردم و پای بندی ایشان به مسیر هدایت، ارتباط ایشان با امام را قطع نمود تا یاوران راستین و حقیقی از مدعیان سست ایمان جدا شوند.

علت دیگر غیبت که در روایات به آن اشاره شده است، آزادی عمل امام و عدم تعهد وی نسبت به قدرت‌های حاکم است. به این معنا که اگر امام غایب نمی‌شد، لازم بود تا فراهم شدن شرایط برای قیام با حاکمان ستمگر کنار آمده و با ایشان بیعت می‌کرد و از حکومت

شصت و نه سال با چهار سفیر

روایتی از دلایل پنهان زیستی امام
عصر (عج)، نقش عثمان بن سعید،
محمد بن عثمان، حسین بن روح و
علی بن محمد سمري در هدایت شیعیان

استاد روح الله کاظمی نجف آبادی

عضو هیئت علمی و معاون پژوهش پژوهشکده امامت



ایشان پیروی می‌نمود و این مسأله قیام ایشان را علیه همان حکومت برای عدالت خواهی، از منظر مردم ناموجه می‌ساخت. مورد چهارم در این زمینه، ناسپاسی مردم بر نعمت امام در دوران حضور ایشان است. چرا که در دوره ۲۵۰ سال حضور حجت‌های خداوند در میان مردم قدر ایشان دانسته نشد و از سوی مردم برای تحقق اهداف الهی خود یاری نشدند و این یکی دیگر از سنت‌های الهی است که اگر نعمتی از نعمت‌های او ناسپاسی شود، آن را از مخلوقات می‌گیرد. گرچه این علل در روایات و بیان اندیشمندان شیعه مورد توجه قرار گرفته است اما در بخشی از روایات نیز اشاره شده است که حکمت اصلی غیبت امام زمان (عج) پس از ظهور ایشان آشکار می‌شود.

به هر روی، تقدیر الهی بر غیبت دوازدهمین جانشین پیامبر اسلام رقم خورد به این معنا که با وجود اینکه او در میان مردم است، به اراده الهی، مردم یا جسم او را نمی‌بینند و یا می‌بینند ولی او را نمی‌شناسند.

غیبت صغری و کبری

برای این غیبت دو دوره بیان شده: در دوره کوتاه‌تر که محدود به ۶۹ سال و چند ماه بود و به غیبت صغری معروف است، وجود حضرت مهدی (علیه السلام) از عموم مردم پوشیده بود. ولی ایشان افراد خاصی را به ترتیب معین کردند که برای شیعیان شناخته شده بودند و از طریق ایشان با حضرت ارتباط گرفته و نیازها و سؤالات خود را مطرح می‌کردند. به خلاف دوره دوم غیبت که غیبت کبری نامیده می‌شود و مدت زمان معلومی نداشته و فرد مشخصی به عنوان واسطه بین مردم و امام از سوی حضرت تعیین نشده است.

نواب اربعه

واسطه‌های بین امام زمان (علیه السلام) و شیعیان در دوران غیبت صغری چهار شخصیت برجسته بودند که به نواب اربعه معروف شدند که به ترتیب عبارتند از عثمان بن سعید عمری و پس از او فرزندش محمد و پس از او حسین بن روح نوبختی و چهارمین نفر نیز علی بن محمد سمّری.

عثمان بن سعید از یاران نزدیک و مورد اعتماد امام هادی و امام عسکری (علیه السلام) بود. او از سن ۱۱ سالگی به یادگیری احکام، احادیث و آموزه‌های دینی نزد امام هادی (علیه السلام) پرداخت و ضمن ارتباط کامل با امام عسکری (علیه السلام) و

خانواده ایشان در جریان ولادت امام مهدی (علیه السلام) قرارگرفت و مراسم کفن و دفن امام‌عسکری (علیه السلام) را نیز بر عهده داشت و این موارد، پذیرش نیابت وی را که از سوی امام عسکری (علیه السلام) و سپس در نامه‌های امام زمان (علیه السلام) مطرح شده بود، برای شیعیان مطمئن تر می‌نمود.

در اواخر عمر عثمان بن سعید وی به دستور امام زمان (علیه السلام) فرزندش محمد را به عنوان جانشین خود معرفی نمود. محمد خود از اصحاب مورد اعتماد امام عسکری (علیه السلام) بود و به مدت حدود ۴۰ سال نیابت امام غایب را برعهده داشت. وی علاوه بر اینکه پناه شیعیان در مسائل اعتقادی و فقهی و اجتماعی بود، نقش مهمی در مبارزه با مدعیان دروغین نیابت امام غایب را داشت.

سومین نائب حضرت، حسین بن روح، فقیه و متکلم شیعه ایرانی بود. وی علاوه بر جایگاه علمی که در میان شیعیان داشت، در دربار عباسی نیز نفوذ داشت و این فرصت مناسبی را برای او و شیعیان فراهم نمود. جایگاه برجسته علمی و اجتماعی وی باعث شد کمتر کسی در مورد نیابت او تردید داشته باشد. اما تغییرات دستگاه حاکمه مشکلاتی را برای وی به همراه آورد و باعث شد بخشی از سال‌های پایانی نیابت ۲۱ ساله خود را در زندان بگذراند. پس از وی نیز به دستور امام زمان (علیه السلام)، علی بن محمد که از خانواده‌های مورد احترام شیعیان بود نیابت خاصه را به مدت سه سال برعهده داشت و در اواخر عمر خویش نامه‌ای از حضرت دریافت نمود که زمان مرگ وی را اعلام فرموده بودند و از او خواسته شده بود که جانشینی برای خود معرفی ننماید و به این گونه دروان غیبت کبری در سال ۳۲۹ هـ ق شروع شد و تا کنون ادامه یافت. در این دوران ارتباط با حضرت حتی از طریق نواب خاص نیز قطع گردید و هیچ کس از مکان آن حضرت یا زمان ظهور او اطلاعی ندارد. بنا به فرمایش خود امام، در این دوران فقهای شیعه به عنوان نواب عام امام و حجت‌های او بر مردم هستند.

کتابنامه:

■ سلیمیان، خدامراد، درسنامه مهدویت، جلد ۲، حضرت مهدی و دوران غیبت، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عج، چاپ یازدهم، ۱۳۹۱ش

■ قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق: علی کرمی و سید محمد حسینی، قم، دفتر نشر الهادی،

۱۳۷۶ش